

## مقدمه

همه ادیان ابراهیمی، پوشش و به تعبیری حجاب را، یکی از واجبات دینی به شمار آورده‌اند. دلایل گوناگون عقلی، عقلایی، قرآنی و روایی بر اهمیت و لزوم پوشش زنان و مردان، به ویژه پوشش زنان، دلالت می‌کند (ر.ک: فتاحی‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷-۱۴۶). بحث از فلسفه و مبانی هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و انسان‌شناختی پوشش، از مباحث مهمی است که توجه به آن در فهم این موضوع انسانی، ضروری است و نشان می‌دهد که پوشش زنان و مردان، ارتباط مستقیمی با ساخت قدرت اجتماعی و سیاسی ندارد؛ هرچند تأثیر متقابل آن با قدرت سیاسی و اجتماعی قابل انکار نیست. جریان فمینیسم، خصوصاً فمینیسم افراطی خانواده‌ستیز، همواره کوشش کرده است تا مبانی پوشش زنانه را در ساخت مردسالار جوامع پیشا مدرن جستجو کند. این نهضت شبه سیاسی، که خود زاینده نظام مردسالار سرمایه‌داری است، بنا را بر تساوی بدون قید و شرط زن و مرد گذاشته و هرگونه نشانه‌ای از تفاوت میان این دو موجود انسانی را، نوعی استثمار و بردگی زنان و برگرفته از مناسبات مردسالارانه جوامع سنتی قلمداد می‌کند؛ پوشش، به سبب تفاوت‌ها و لوازمی که در کنش‌های زنان و مردان ایجاد می‌کند، همواره از سوی این جریان و دیگر جریان‌های وابسته به سرمایه‌داری، مورد تاخت و تاز قرار گرفته است (مهریزی، ۱۳۷۹، ص ۷۱)؛ در حالی که پوشش از پایه‌های فطری و اهداف و اغراض حکیمانه‌ای برخاسته و برای صیانت از زن در برابر خودخواهی مردان و صیانت از مردان در برابر فزون‌خواهی شهوانی شکل گرفته است. در نوشتار حاضر ضمن برشماری برخی از مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی پوشش، به نقد اجمالی شبهه بالا می‌پردازیم.

### ۱. ریشه‌های حجاب در فطرت انسان

همه انسان‌ها به صورت فطری، به زیبایی‌گرایی دارند. انتخاب لباس و پوشاندن بخش‌هایی از بدن از سوی انسان‌ها و تنوع‌های بی‌نهایت مدها و طرح‌های لباس، نشانه‌ای از این حقیقت است که انسان‌ها بخشی از زیبایی خود را در پوشش جستجو



می‌کنند. در همهٔ جوامع، حتی جوامع کم برخوردار از لحاظ اجتماعی و تمدنی، صورت‌هایی از پوشش، در حد پوشاندن اندام جنسی، وجود داشته که این امر نشان می‌دهد که اساس پوشش، بر میل درونی و فطری انسان نهفته است. میل به پوشش و رفتارهای پوششی مختص زنان نیست بلکه مردان نیز در این میل با زنان شریک‌اند (بانکی‌پور فرد، ۱۳۸۳، ص ۱۹).

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انسان با دیگر حیوانات، بینش انسان نسبت به زشتی و زیبایی رفتارها است؛ چیزی که در فلسفه و کلام از آن به حسن و قبح عقلی نام می‌برند (رک: حلی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۰). این دیدگاه همواره یکی از مبانی گرایش انسان‌ها به پوشش بوده است. درمقابل، حیوانات از برهنگی احساس شرم نمی‌کنند و همهٔ اندام‌ها از جمله اندام جنسی‌شان در دیدرس دیگر حیوانات، قابل مشاهده است. همیشه انسان‌ها از اینگونه رفتارها شرم داشته و نه تنها بسیاری از کارهای خاص، مثل دفع فضولات بدن را دور از چشم دیگر انسان‌ها انجام می‌دهند، بلکه همواره اندام‌های خاصی از بدن خود را از دیگران می‌پوشانند. یکی از ویژگی‌های غریزی و عقلانی انسان، حیا است. حیا نوعی حالت خاص روانی (انفعال، تنگنا و شکستگی روانی) در وجود انسان است که در هنگام روبه‌رو شدن با کارهای زشت و حضور انسان‌های دیگر، مانع از آلوده شدن فرد بوده و او را به انجام کارهای پسندیده وادار می‌سازد. حیا مستلزم این است که انسان نوعی احترام و کرامت برای خود قائل باشد که در صورت انجام رفتارهای زشت، این احترام از بین رفته و در میان دیگران رسوا و بی‌اعتبار گردد. حیا دارای مراتبی است که در همهٔ انسان‌ها، مرتبه نازل حیا به صورت غریزی و فطری وجود دارد و از اینکه خوبی را با بدی پاسخ دهند، حیا می‌کنند و آن را زشت به حساب می‌آورند. اما بالاتر از این مرتبه حیا، مراتبی وجود دارد که حیای عقلانی و حیای ایمانی نام دارد که بر رشد عقلانی و نظام ارزشی ایمانی فرد، متوقف است. پوشش اندام‌های جنسی و خودداری از رفتارهای جنسی و دیگر رفتارهای مربوط به اندام‌های جنسی در برابر دیگران، یکی از اموری است که معمولاً انسان‌ها بر اساس حیای غریزی و فطری به آن اهتمام می‌روزند (رک: پسندیده، ۱۳۹۳، ص ۸ و ۱۸). البته رعایت پوشش بیشتر و مناسب‌تر بستگی به سطح درک عقلانی و نظام ارزشی





فرد بستگی دارد. از این رو انسان‌ها، بسته به سطح علمی و اجتماعی و تحلیل‌های عقلانی و نیز ارتباط و دل‌بستگی به دین یا مذهب خاصی، ممکن است سطوح مختلفی از پوشش را به نمایش بگذارند. بر این اساس ریشه تمام پوشش‌ها یا همان حجاب، ارتباطی به ساخت مردسالارانه یا دموکراتیک جوامع پیشا مدرن ندارد و حتی اکثر قریب به اتفاق زنان و مردان در دنیای مدرن نیز به سطوحی از پوشش، به‌عنوان یکی از امور انسانی و زیبایی‌های غریزی اهمیت می‌دهند؛ هرچند سطوح بالاتر حیا، از لحاظ درک عقلانی و نظام ارزشی، میان انسان‌ها متفاوت است.

## ۲. پوشش و بهداشت جسمی

لباس و پوشش علاوه بر جنبه زیبایی، به بهداشت جسمی انسان هم کمک می‌کند و برای دستیابی به آن، حفظ بهداشت فردی، ضروری است. بدن انسان همواره در معرض نور خورشید و ماه و انواع مواد آسیب‌زای طبیعی دیگر قرار دارد؛ این امر، لزوم پوشش با هدف مراقبت از بهداشت جسمی را موجه می‌سازد. تحقیقات دانشمندان اثبات کرده است که پوست انسان، در معرض انواع مختلفی از پدیده‌های طبیعی، مانند: نور مستقیم خورشید، آلاینده‌های موجود در فضا، سرما و گرما آسیب‌پذیر است (میران‌زاده و غلامی بروجنی، ۱۳۹۷، ص ۲۸ - ۲۹). از لحاظ علمی، تأثیر نور مستقیم خورشید بر مشکلات پوستی، به ویژه سرطان پوست، اثبات شده است (نوربالا، ۱۳۸۶، ص ۱۹). پوشش علاوه بر حفظ سلامتی پوست و دیگر اندام‌های بدن، به حفظ طراوت و زیبایی پوست، کمک فراوان می‌کند. جوامع امروزی با توصیه و سفارش در مورد ساخت انواع کرم‌های ضدآفتاب و ضد اشعه، گویای این مطلب هستند که پوست انسان بسیار بیش از آنچه تصور می‌شود در معرض تخریب و آسیب‌های جدی است. لذا یکی از راه‌های کم هزینه و بسیار سالم برای جلوگیری از آسیب‌های جدی پوست و دیگر بیمارهای پوستی، پوشش بدن، به‌خصوص پوشش کامل زنانه است. امام علی علیه السلام به این نکته مهم اشاره کرده و می‌فرماید: «صیانت از زن (به واسطه پوشش و تنظیم ارتباطات اجتماعی) او را شاداب‌تر و زیبایی‌اش را ماندگارتر می‌کند!» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱۸).<sup>[۱]</sup>

### ۳. پوشش و تنظیم رفتار جنسی

یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر، میل جنسی غریزی مرد نسبت به زن است. لذا در هر شرایط ممکن، این نهاد حیوانی مرد، خواهان کام‌گیری از زن است و مردان در این میل نیرومند، خویشن‌داری ضعیفی از خود بروز می‌دهند. اگر در آیات<sup>[۲]</sup> و روایات اسلامی به این واقعیت اشاره شده است (رک: حر عاملی، ۱۴۱۶ق)، هرگز به این معنا نیست که اسلام، مرد را به‌عنوان موجودی وحشی و بی‌بند و بار می‌نگرد، بلکه به معنای اهمیت این کشش غریزی و لزوم برخورد عقلانی و حکیمانه با آن است (قائمی، ۱۳۷۳، ص ۳۹۰). امروزه در همهٔ جوامع، حتی در جوامع غربی، که حداکثر آزادی جنسی به شهروندان داده شده است، برخورد تساهل‌آمیز مطلق با غریزهٔ جنسی ندارند. لذا قوانین و چارچوب‌های خاصی را در این خصوص وضع نموده‌اند تا بیش از این، غرق در مسائل جنسی نشوند. اساساً یکی از نشانه‌های بارز عقلانیت و شعور انسانی، پذیرفتن قوانین خاص اجتماعی در رابطه با مسائل جنسی از سوی مردان و زنان است. غریزه جنسی مانند انرژی نیرومندی است که می‌توان با سازوکارهای صحیح، جامعهٔ انسانی را در رساندن به اهداف متعالی خویش، پیش برد. لذا فقدان قوانین روشن و منطقی در موضوع تنظیم رفتارهای جنسی، علاوه بر وارد ساختن آسیب‌های جدی به سلامت جسمی و روانی زنان، هرج و مرج در روابط اجتماعی انسانی و تهدید زنجیرهٔ نسل انسانی، به مردان نیز آسیب‌های جسمی و روانی زیادی وارد می‌سازد و بسیاری از مردان را به موجوداتی شهوت‌ران و هرزه تبدیل می‌کند (خسروی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲). در هیچ جامعه‌ای قوانین و ضوابط اجتماعی بر اساس وضعیت شخصیتی اقلیت فرهیخته و اخلاقی جامعه وضع نمی‌گردد؛ بلکه قوانین بر اساس حال افراد متوسط جامعه نگاشته و تدوین می‌گردد؛ تا چه رسد به اینکه بخواهند قوانین را، بر اساس آرمان‌های دست نیافتنی وضع کنند. بدون تردید در هر جامعه، اقلیتی از مردان پاک و عقیف وجود دارند که با ابزار مهار درونی و خودکنترلی، خود را از رفتارهای نادرست جنسی مراقبت می‌کنند. از سوی دیگر، این آرمان که همهٔ مردان به سطحی از رشد عقلانی و اخلاقی دست یابند که بدون فشار ابزار قانون و ضوابط حکومتی از آزار و اذیت زنان و از رفتارهای غیراخلاقی پرهیز کنند، آرمانی خواستنی و





جذاب است، اما سطحی از خواسته‌ها، دست‌نیافتنی است. از این رو، زمانی مردان می‌توانند در ارتباط با زنان، رفتار مطلوبی داشته باشند که قوانین و چارچوب‌های محکم و ضمانت شده‌ای وجود داشته باشد. آمار وحشتناک بیماری‌های جنسی، سقط جنین‌ها، تجاوزهای جنسی و غیره در کشورهایی که بیش‌ترین آزادی جنسی را دارند، بهترین گواه بر این حقیقت است.

جامعه انسانی در هر سطح از دانش و تمدن، برای مهار شعله‌های امیال جنسی، نیازمند چارچوب‌های منطقی است؛ یعنی هرچه جامعه از لحاظ فرهنگ و دانایی در عالی‌ترین سطح باشد اما برای این امر، ضوابط کارآمدتر و مؤثرتری را در نظر خواهد گرفت. لذا ماهیت نفس انسانی، هرگز به واسطه تکنولوژی و پیشرفت علمی، دگرگون نمی‌شود. انسان با وجود همه تغییراتی که در عرصه‌های مختلف زندگی داشته و با وجود همان نیازها، امیال، فرصت‌ها و تهدیدها، همچنان انسان است؛ به همین علت انسان‌ها از همان نخستین حیات زمینی خود، به ایجاد قوانین و مقررات و چارچوب‌هایی که رفتارها و اعمال افراد را منضبط و قانونمند سازد، همت گماشتند. بشر با تجربه‌ای که در طول دوران حیاتش آموخته، این است که زن با ویژگی‌های خاصش بیش از مرد در معرض آسیب‌های ناشی از برهنگی است و از این رو، مقدار پوشش زنان همواره با پوشش مردان متفاوت بوده است؛ در کشورهای غربی، عمق و گستردگی تجاوز و آزار جنسی به زنان بیش از هرچیز، معلول برهنگی افسارگسیخته‌ای است که در امور مختلف انسانی، اعم از تبلیغات رسانه‌ای، موسیقی، معماری، سینما، هنر و غیره، در این کشورها وجود دارد. زن در جامعه غربی، با وجود امتیازات ابتدایی و سطحی و پرزرق و برقی که گرفته است، همچنان مورد تصاحب و تجاوز و ظلم سرمایه‌داری منافق‌گونه و چند لایه مردسالارانه قرار دارد (هاید، ۱۳۸۴، ص ۴۱۲ - ۴۱۵). بنابراین لازمه وجود قوانین و ضوابط رفتاری در قلمرو روابط اجتماعی، از جمله روابط جنسی، محدود کردن امیال و خواسته‌های انسانی است و تا پیش از رنسانس در کشورهای غربی هم به صورت جدی وجود داشته است، نه تنها نشانه ظلم و استثمار زنان نیست، بلکه نشانه مدنیت و عقلانیت بشر و اهمیت مراقبت از زنان به‌عنوان حاملان نسل انسانی است. همیشه زن برای مرد، گوهری گران‌بها بوده که برای به



دست آوردن آن، سختی‌ها و فشارهایی را بر خود هموار می‌کرده است. اگرچه در بعضی از جوامع و دروان‌های تاریخی زنان، مورد ستم و تبعیض منفی و ناعادلانه مردان بوده‌اند، اما این امر در حیات بشر عمومیت ندارد. زنان، در فرهنگ شرقی و بالاخص در فرهنگ دینی، جایگاه بالارزش و والایی دارند. پوشش زن تنها برای صیانت از حرمت بدن و کرامت روح او قرار داده شده و هرگز نمی‌تواند عاملی برای محرومیت از حقوق انسانی او قرار گیرد. اسلام، با اینکه پوشش را برای زنان واجب دانسته، اما به زنان اجازه داده است که در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، به جز جهاد و برخی از مدیریت‌های کلان و طاقت‌فرسا، که با لطافت بدنی و روحی آنان سازگار نیست، وارد شوند. از این رو پوشش در محیط اجتماع نه تنها برای زنان محدودیتی برای بهره‌بردن از فرصت‌های اجتماعی ایجاد نمی‌کند، بلکه به زن کمک می‌کند تا با بالا بردن اقتدار خود در روابط با مردان، مناسبات اجتماعی را به سود خود، مدیریت کند (عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۸۴). زنانی که بدون پوشش مناسب در محیط اجتماعی حضور پیدا می‌کنند، علاوه بر اینکه خود در معرض آسیب‌ها و انواع آزارها، اعم از نگاه‌ها، گوشه و کنایه‌های زبانی، تلاش‌های پیدا و پنهان مردان برای اغواکردن آنان قرار می‌دهند، ناخودآگاه ظرفیت‌های بسیاری از وقت، انرژی جسمی و روحی و مالی خود را برای پذیرفته شدن توسط مردان به کار گرفته و ناخواسته به طعمه‌هایی برای امیال جنسی مردان تبدیل می‌شوند (همان، ص ۹۱).

#### ۴. پوشش و ساخت اجتماعی

آنچه مسلم است، پوشش برای زن و مرد در تعاملات اجتماعی، محدودیت‌هایی را به وجود می‌آورد. پوشش زن و مرد، تنها پوشش بدن نیست، بلکه بر نمادهای مهم و گسترده‌ای دیگر نیز دلالت دارد. کسانی که آگاهانه و عامدانه با پوشش، خصوصاً پوشش اسلامی زنان مبارزه می‌کنند، بدون شک به این دلالت‌ها توجه دارند. پوشش، نمادی از عفت‌ورزی، حیا، خویشتن‌داری و صبوری در برابر امیال جنسی است. پوشش، مظهر احترام به بدن و روح زن است. هرانسانی به سبب کرامت ذاتی و حقوقی که



خداوند برای او در نظر گرفته و یا براساس حقوق طبیعی یا قراردادی حق دارد از مواهب طبیعت و جامعه به مصالح و منافع مشروع خود استفاده کند (شجاعی، ۱۳۷۶، ص ۵۲). یکی از حقوق مهم انسان‌ها، حقوق معنوی و اخلاقی است. انسان‌ها حق دارند در فضای اجتماع از امنیت معنوی و اخلاقی کافی برخوردار باشند. لذا ضروری است، فضای اجتماعی به گونه‌ای سامان یابد که همه شهروندان در آن احساس آرامش، احترام و امنیت داشته باشند و بتوانند آزادانه و بدون تهدید و نگرانی، اهداف اجتماعی خود را دنبال کنند. این امر مستلزم وجود قوانین و تمهیدات خاصی است که تا حد امکان، راه را بر ناامنی و تهدید و نگرانی ببندد. لذا همانگونه که هیچ شهروندی حق ندارد محیط زیست انسانی را با انواع آلودگی‌های زیستی، تخریب و ناامن سازد، حفظ محیط زیست روانی جامعه نیز ضروری و با اهمیت است. محیط عمومی جامعه به همه شهروندان تعلق دارد و همه باید در حفظ سلامت آن، کوشش و مراقبت کنند. سرایت دادن جنبه‌های شخصی و خصوصی بدنی و ذهنی، به عرصه اجتماع، نتیجه‌ای جز ایجاد ناامنی و آشفتگی روانی و فیزیکی ندارد. نمایش صحنه‌های جذاب و اغواکننده بدنی زنان و مردان در عرصه‌های عمومی، آرامش روانی و اخلاقی همه افراد جامعه را به مخاطره می‌اندازد؛ این امر در واقع، زیرپا گذاشتن حقوق معنوی شهروندانی است که می‌خواهند در محیط اجتماعی به دنبال اهداف سالم و منافع قانونی خود باشند. وظیفه همه شهروندان، اعم از زن و مرد، این است که محیط عمومی جامعه را از لحاظ اخلاقی و معنوی (به معنای عام کلمه) پاک و سالم نگهدارند. این امر البته الزاماتی دارد. پوشش معقول و منطقی یکی از الزامات حتمی چنین امری است؛ زیرا به نمایش در آوردن حرکات، رفتارها و تصویرهای بدنی تحریک‌کننده جنسی، علاوه بر تهدید امنیت خود زنان، به امنیت روانی دیگران نیز آسیب می‌رساند. عفت عمومی که از مصادیق خیر و مصلحت عمومی است، حق همه شهروندان است و از این رو، همه شهروندان وظیفه دارند تا در ایجاد و مراقبت از آن تلاش کنند (ر.ک: مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۶، ص ۱۰-۵۰). حضور اجتماعی زنان و مردان با پوشش مناسب، از مهم‌ترین مصادیق عفت عمومی، رفتارهای محترمانه و عاری از نمایش‌گری و اغواگری جنسی است (شفیعی مازندرانی، ۱۳۹۰، ص ۶۵-۶۶). برخلاف تبلیغات فریبکارانه مخالفان



پوشش اجتماعی زنان، برهنگی زنان از آشکارترین و در عین حال، منافقانه‌ترین چهره‌های مردسالاری خشن و بی‌آبروی غربی است. در زمان گذشته، اگر برخی از مردان خواهان تصاحب بدن زنان بودند، می‌بایست هزینه‌های مادی و روانی قابل توجهی، پرداخت می‌کردند و این امر قدرت و اقتدار زنان را در برابر زیاده‌خواهی و هوس جنسی مردان، تا حد زیادی بالا می‌برد. اما در دوران برهنگی زنان، مردان هوس‌باز با کم‌ترین تلاش و کم‌ترین هزینه ممکن، به بدن زنان دسترسی داشته و به صورت آسان، بر آن مسلط شده‌اند. بدن زن حریم خصوصی او است و برهنگی، حریم خصوصی او را به حریم عمومی و اشتراکی تبدیل می‌کند. پوشش، حریم و حرمت بدن زن را حفظ می‌کند و برهنگی، آن را بی‌ارزش و کوچه بازاری می‌گرداند. امروزه، بیش‌ترین و پرسر و صداترین منادیان برهنگی و آزادی پوشش زنان، مردان، اعم از سرمایه‌داران، تاجران، کاسبان لوازم آرایشی، صاحبان دیسکوها و رقص‌خانه‌ها و مردان هوس‌بازاند که همه، خواهان استفاده رایگان یا کم‌هزینه از بدن زنان هستند؟! در عصر جدید تبلیغات فریبکارانه جریان‌های سرمایه‌داری، آن چنان مؤثر افتاده که زنان در از بین بردن حریم خصوصی و قدرت و اقتدار خود در برابر زیاده‌خواهی مردان، به مسابقه عجیب و سرسام‌آوری وارد شده‌اند. بر این اساس، مقوله پوشش، خصوصاً پوشش زنان، رهنمودهای معنوی، اخلاقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی خاصی دارد که با هدف صیانت از جسم و روح زن و مراقبت از عفت عمومی و چابک‌سازی فعالیت‌های اجتماعی در جهت پیشرفت علمی و انسانی قرار یافته است.

بدون تردید پوشش، ساخته و پرداخته ادیان نبوده است، بلکه انسان‌ها به فراست ذاتی و عقلانیت معطوف به خیر، آن را پدید آورده و حفظ کرده‌اند. ادیان الهی، به سبب هماهنگی با فطرت عقلانی و با هدف حفظ مصالح و منافع حقیقی انسان‌ها پوشش را تأیید کرده و با ابزارهای اعتقادی، انگیزشی و رفتاری خاصی که در اختیار دارند، بر تحکیم و گسترش آن، تأثیر فراوانی داشته‌اند. البته زنان در طول تاریخ جوامع به علل گوناگون از بسیاری از حقوق خود به صورت کلی و جزئی محروم گشته‌اند، اما اینکه این امر به سبب لزوم پوشش زنان بوده است، جای تأمل و تردید بسیار دارد. آری در برخی برهه‌ها، پوشش‌های سخت و دشوار که گاهی در قالب پنهان ساختن و

جلوگیری از حضور مؤثر اجتماعی زنان، صورت گرفته به محرومیت‌های آنان کمک کرده است؛ اما این نوع پوشش‌ها، در ادیان الهی به ویژه دین اسلام، هیچ ارتباطی با پوشش عفیفانه و معطوف به صیانت از زنان ندارد. اسلام، ضوابط حضور زن و مرد در عرصه عمومی را با رعایت حدود پوشش، مشخص و روشن ساخته و هیچ دلیل متقن و معتبری که بتوان بهره و استفاده از مسئله پوشش را به نفع مردسالاری رقم بزند، در معارف و آموزه‌های دینی وجود ندارد (حق‌شناس، ۱۳۸۶، ۶۴ - ۷۱).

#### ۵. پوشش و تداوم نهاد خانواده

خانواده، مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. خانواده دیرپاترین و مؤثرترین مرکز ساخت انسان سالم است. جامعه سالم بدون وجود خانواده سالم، دست یافتنی نیست. یکی از راه‌های مهم زندگی اجتماعی انسان، سنت‌های اجتماعی است. بشر از نخستین مقاطع پیدایش بر روی زمین و روبه‌رو شدن با مسائل، مشکلات و نیازمندی‌های پیچیده و تو در توی خود، با مدد تجربه و عقلانیت، سنت‌هایی را اختراع کرده و یا از پیامبران الهی آموخته است. سنت‌هایی که در چارچوب آن بتواند بهتر زندگی کرده و ضمن تأمین نیازهای متنوع خود از آسیب‌های احتمالی تا حد توان پیش‌گیری کند. این سنت‌ها به دو دسته سنت‌های موقت و دیرپا تقسیم می‌شود. سنت‌های دیرپا، سنت‌هایی است که سودمندی و ضرورت آن برای نسل‌های متمادی و پی در پی انسانی همواره، آزمون و اثبات شده است. از این رو، سنت‌هایی که به صورت موقت و در مقطعی خاص کارایی دارد، به مرور زمان جای خود را به سنت‌های جدید و کارا داده و برای همیشه از بین می‌رود؛ در این میان سنت‌های اصیل که تأمین‌کننده نیازهای مشترک اصیل و فطری انسان است، به سبب جایگزین‌ناپذیری و اهمیت قاطع، همواره توسط نسل‌های پسین، حفظ و حراست شده است. اگر سنت یا سنت‌هایی برای بشر اصالت و ضرورت حیاتی نداشته باشد، یقیناً دوام نخواهد آورد و دست کم در قالب‌های نمادین و نوستالوژیک به حیات خود ادامه می‌دهد؛ مثل سنت چهارشنبه‌سوری در میان ما ایرانی‌ها که به صورت رسمی نمادین در میان برخی از اقشار تکرار شده است؛ اما سنت‌های اصیل، همواره زنده و پویا باقی می‌ماند و روح و ماهیت اصلی خود را حفظ می‌کند. یکی از سنت‌های





اصیل و کهن بشری، سنت ازدواج و برپایی خانواده است که با گذشته میلیون‌ها سال از حیات اجتماعی انسان بر روی زمین، همواره وجود داشته و به حیات خود با قدرت ادامه داده است. دیرپایی و مانایی خانواده، بهترین دلیل بر اهمیت، ضرورت و جایگزین‌ناپذیری آن در تأمین نیازهای انسانی است. از این رو، حفظ و مراقبت از نهاد خانواده، به‌عنوان سنتی کهن و بی‌بدیل و وظیفه همه نسل‌ها و آحاد جامعه انسانی است. سنت‌های اجتماعی مانند دیگر وجوه انسانی، همچنانکه نیازمند عوامل و زمینه‌های رشد و بالندگی است، ممکن است از سوی مسائل و پدیده‌هایی در معرض آسیب قرار گیرد. شناخت هردو دسته از زمینه‌ها و عوامل برای حفظ مانایی، پویایی و سودمندی سنت‌ها ضروری است. سنت خانواده نیز نیازمند تحول، تکامل، بهینه‌سازی و مراقبت است. مهم‌ترین عامل حفظ و سلامت خانواده، خویشن‌داری جنسی و عاطفی در روابط زن و مرد است و یکی از زمینه‌های تحقق آن، پوشش مطلوب و منطقی زن و مرد در روابط اجتماعی است. توجه و اهتمام به پوشش مطلوب در کنار دیگر مؤلفه‌های عفت عمومی، از الزامات حفظ و تقویت خانواده سالم و موفق است. در این راستا ایجاد زمینه‌ها و عوامل مثبت و از بین بردن زمینه‌ها و عوامل منفی وظیفه حکومت و همه شهروندان هر جامعه است. حکومت‌ها با وضع قوانین و چارچوب‌های حقوقی و مکانیزم‌های لازم و آحاد جامعه با ایجاد هنجارهای مثبت و از بین بردن هنجارهای منفی از موجودیت و اثربخشی خانواده مراقبت می‌کنند. برهنگی و ولنگاری زنان، یکی از زمینه‌های مؤثر و مهم آسیب به خویشن‌داری جنسی - عاطفی مردان و زنان است و اساس خانواده، به‌عنوان مرکز تولید و مراقبت از دلبستگی‌های جنسی - عاطفی همسران را نابود می‌کند. مرد با همه خصوصیات طبیعی نهفته در نهاد مردانه او هرچه هم فرهیخته، مؤدب و با شخصیت باشد، باز هم مرد است. زیبایی زن برای مرد، ایجاد جاذبه و کشش می‌کند و ناخواسته او را به سوی مقایسه‌های ذهنی میان همسرش با زنان دیگر می‌کشاند. آثار تصویری، عاطفی، هیجانی و مکانیزم‌های شناختی پیچیده‌ای که در روابط اجتماعی زن و مرد وجود دارد، خصوصاً در مواردی که مردان به عللی از زندگی کنونی خود راضی نباشند، آرام آرام احساس دلبستگی عاطفی - جنسی میان همسران را مثل موربانه می‌خورد و گرمی و صمیمیت در روابط آن‌ها،



جای خود را به سردی و شکنندگی می‌دهد. روابط اجتماعی زن و مرد، خصوصاً زنان و مردان جوان، بدون میانجی‌گری احساسات جنسی - عاطفی صورت نمی‌گیرد. انکار این واقعیت اثبات شده، توسط علم و تجربه، نه تنها به زنان کمکی نمی‌کند و بر کرامت، شخصیت و موقعیت اجتماعی آنان نمی‌افزاید، بلکه با گمراه ساختن دستگاه شناختی آنان، زمینه‌تزل موقعیت انسانی آنان در محیط اجتماع را فراهم می‌کند. نگاه انسانی و آمیخته با حرمت و کرامت در محیط اجتماع، حق فطری و شرعی زنان است و برهنگی، این حق مسلم و اصیل را از بین می‌برد. پوشش، به زن حرمت، کرامت و اقتدار می‌دهد و زمینه‌ایجاد نگاه انسانی و آمیخته با احترام را به او هدیه می‌کند. یکی از حقوق زنان و وجوه کرامت و بزرگداشت جایگاه انسانی آنان، برخورداری از خانواده ایمن و سالم است؛ خانواده‌ای که در آن زن محور است و توانسته به شایستگی نیازهای جنسی - عاطفی و معنوی مرد را تأمین کند و در مقابل مرد نیز تکیه‌گاه عاطفی و معنوی برای همسرش بوده و وفاداری خود را ثابت نموده است. چنین خانواده‌ای به سادگی و با هزینه اندک محقق نمی‌شود. سازوکارهای فراوانی از درون و بیرون برای تحقق چنین خانواده‌ای لازم است. همچنان که لازم است همسران در درون خانواده با مهر، محبت، احترام و اهتمام به تأمین نیازهای یکدیگر، آرامش و آسایش را فراهم کنند؛ در بیرون از خانواده نیز می‌بایست شرایطی وجود داشته باشد که به این آرامش و دلبستگی عاطفی و معنوی کمک کند (سالاری فر، ۱۳۸۵، ص ۱۰۵). مردی که برای کار و تلاش از خانه بیرون می‌آید و با قدم گذاشتن در کوچه و خیابان با انواع و اقسام زنان زیبارو و جذاب و عشوه‌گری‌های دلبرانه زنان مواجه می‌شود، در محیط کار با زنان بسیاری با خصوصیات مختلف روبه‌رو است و خلاصه به هرسو می‌نگرد جمال زیبا و اندام دلربایی را نظاره می‌کند، همه انرژی‌ها و هیجان‌های جنسی - عاطفی‌اش در بیرون از خانه مصرف شده و تهی از هر اشتیاق و تشنگی و خواهش جنسی - عاطفی به خانه برمی‌گردد، چنین مردی، هرگز نمی‌تواند به همسر خود احساس دلبستگی و احساس نیاز کند و با وجود او به آرامش و رضایت خاطر برسد. زنی که با هزار قلم آرایش و با رفتارهای دلبرانه گوناگون در محیط اجتماع به جلب نظر دیگران می‌پردازد، همه شوق و شور و نیاز به نمایش و بازیگری جنسی -



عاطفی خود را در بیرون از خانه خرج کرده و خسته و کم‌رمق به خانه باز می‌گردد، یقیناً نمی‌تواند رابطه پرشور و احساس و با معنایی با همسر خود داشته باشد. برهنگی زنان، یکی از هنجارهای منفی و نابخردانه اجتماعی است که اولین قربانی آن، خود زنان هستند. اگر محیط اجتماع از هرگونه محرک جنسی - عاطفی پیراسته باشد و همه جاذبه‌ها، عاشقانه‌ها، نمایشگری‌های زنان و خواهش‌های مردانه در محدوده خانه صورت گیرد، دلبستگی معنوی و عاطفی - جنسی زن و مرد نسبت به یکدیگر روز به روز افزایش می‌یابد. لذا جایگاه شایسته زن در چنین خانواده‌ای شکل می‌گیرد. از طرفی یکی از شاخصه‌های کرامت زنان، برخورداری از حقوق اجتماعی و سیاسی و مهم‌تر از آن داشتن زندگی مشترک خانوادگی سالم و موفق است که عفت‌ورزی عمومی و پوشش زنان و مردان در محیط‌های اجتماعی، به‌عنوان مهم‌ترین نماد آن، از الزامات قطعی آن کرامت خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹).

### جمع‌بندی

از مجموع مباحث طرح شده، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. میل به پوشش و حیای غریزی انسان، زیربنایی‌ترین پایه انگیزشی پوشش است. در مراتب بعد، عقلانیت، مدنیت و ایمان دینی می‌تواند سطوح برتری از انگیزش روانی نسبت به پوشش را تأمین کند.
۲. پوشش بدن، سهم مهمی در سلامتی جسمی و پیشگیری از بیماری‌های پوستی و فرایند پیری پوست دارد.
۳. نیاز جنسی و میل غریزی مرد نسبت به زن انکارناپذیر است و مردان و زنان لازم است در روابط اجتماعی، خویشنداری جنسی - عاطفی خود را حفظ کنند. خویشنداری جنسی - عاطفی ابعاد شناختی، انگیزشی و رفتاری مختلفی دارد. پوشش یکی از مؤلفه‌های بعد رفتاری خویشنداری جنسی - عاطفی است.
۴. پوشش زنان و مردان برخاسته از ساخت اجتماعی مردسالار پیشامدرن نیست. هرچند بر مناسبات اجتماعی تأثیر داشته و از آن تأثیر می‌پذیرد. امروزه، در دنیای مدرن نیز میل به پوشش و لو در سطوح نازلی در همه زنان و مردان وجود دارد.



۵. خانواده، مهم‌ترین نهاد ستنی بشر است که پاسداری از آن برای نسل‌های انسانی بسیار مهم و ضروری است. یکی از الزامات مراقبت از خانواده، عفت‌ورزی در روابط زن و مرد است و نماد برجسته آن، پوشش منطقی و پرهیز از برهنگی است.

۶. زن و مرد هر دو، دارای کرامت ذاتی‌اند و باید برای تحصیل کرامت اکتسابی و حقوق خود تلاش کنند. حقوق و کرامت اجتماعی و سیاسی زنان، تنها وجه کرامت و حقوق آن‌ها نیست. حق زنان در داشتن زندگی امن، آرام، محترمانه و محبوبانه در محیط خانه، وجوه مهم‌تری از کرامت زنان است.

۷. خانواده امن، آرام و صمیمی، مستلزم وجود شرایط مطلوب پایدار در درون و بیرون خانواده است و عفت‌ورزی اجتماعی و پوشش عقلانی و منطقی زنان، یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل وجود خانواده ایمن و سالم است.

#### پی‌نوشت

- [۱]. صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِجَمَالِهَا.
- [۲]. «خداوند (با تنظیم روابط جنسی شما در چارچوب ازدواج دائم و موقت) می‌خواهد (زندگی را) برای شما آسان سازد و انسان (در موضوع خویشتن‌داری جنسی) ناتوان آفریده شده است» (نساء: ۲۸).

## فهرست منابع

۱. آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالكلم*، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. بانکی پورفرد، امیرحسین، *حیا*، اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۸۳.
۳. پسندیده، عباس، *پژوهشی در فرهنگ حیا*، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۳.
۴. حرعاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۵. حلّی، حسن بن یوسف، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۶. سالاری فر، محمدرضا، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۷. شجاعی، محمد، *در و صدف*، قم: محیی، ۱۳۷۶.
۸. قائمی، علی، *حیات زن در اندیشه اسلامی*، تهران: امیری، ۱۳۷۳.
۹. مطهری، مرتضی، *نظام حقوقی زن در اسلام*، تهران: صدرا، ۱۳۷۳.
۱۰. مهریزی، مهدی، *آسیب‌شناسی حجاب*، تهران: جوانه رشد، ۱۳۷۹.
۱۱. هاید، جانت شیلی، *روانشناسی زنان*، ترجمه اکرم خمسه، تهران: نشر آگاه و انتشارات ارجمند، ۱۳۸۴.

## نشریات

۱. حق‌شناس، سیدجعفر، *حجاب در آیات قرآن با نگاهی به روایات*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۶.
۲. خسروی، حسن، *مجموعه مقالات پوشش و عفاف*، دومین نمایشگاه تخصص و منزلت زن، ۱۳۷۰.
۳. شفیعی مازندرانی، سیدمحمد، *چیستی حجاب اسلامی معناتشناسی حجاب از منظر آیات حجاب*، مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های فقهی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.



۴. عظیمیان، مریم و سعید بهشتی، بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن، دوفصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۸، ۱۳۸۸.
۵. فتاحی‌زاده، فتحیه، حجاب در قرآن و عهدین، فصلنامه تفسیری، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹.
۶. مهدوی‌زادگان، داوود، پژوهشی در الزام حکومتی حکم حجاب، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال نهم، شماره ۳۶، تابستان ۱۳۸۶.
۷. میران‌زاده، لیلا؛ غلامی بروجنی، فتح‌الله، فراوانی سرطان‌های پوست در شهرستان کاشان طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۶، مجله پوست و زیبایی، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷.
۸. نوربالا، محمدتقی، بررسی سرطان‌های پوست در یزد، فصلنامه بیماری‌های پوست، دوره ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.



## بررسی و تحلیل چرایی عدم نگارش کتاب توسط امام صادق علیه السلام

محمود امیریان \*

فاطمه برمر \*\*

### چکیده

یکی از شبهاتی که درباره امام صادق علیه السلام وارد شده، عدم علم حضرت، به جهت عدم نگارش کتاب است و همین امر، عاملی برای زیر سؤال بردن تمام روایات صادره از سوی این امام علیه السلام شده است. البته یکی از راههای کسب معرفت، استفاده از نقل و روایات در معارف دینی است که به میزان اعتبار آن، دارای ارزش معرفتی است. لذا از یک سو، انکار مطلق روایات، باعث نابودی علوم متعددی مانند تاریخ، علوم قرآن، تفسیر و حدیث می‌گردد و از سوی دیگر، با دلایل متقن و برهانی علم الهی و لدنی امام علیه السلام به اثبات رسیده است. از این رو با فرض قبول عدم نگارش کتاب، توسط امام صادق علیه السلام، این امر لزوماً به معنای عدم علم حضرت علیه السلام نیست، علاوه بر آنکه باید علل این عدم نگارش واکاوی شود. یکی از عوامل مهم در عدم نگارش کتاب توسط امام صادق علیه السلام، وجود خفقان و فشار سیاسی در زمان ایشان است. نگارش کتاب، بهانه و سندی زنده برای حکام جائر، برای آزار و اذیت مضاعف به شیعیان بود. وجود شاگردان بی‌شمار، که هر یک دارای کتاب یا کتاب‌های متعدد علمی هستند، بهترین سند برای اثبات علم استاد به شمار می‌رود.

**واژگان کلیدی:** امام صادق علیه السلام، کتاب، عدم نگارش، علم امام.

\*. سطح چهار تخصصی کلام اسلامی - مؤسسه امام صادق علیه السلام: mafkalam@gmail.com

\*\* . دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده هدی - جامعه الزهرا علیها السلام: fbarmar1362@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۳/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

## مقدمه

مسئله امامت، از جمله مباحثی است که در اصل آن، اختلافی بین مسلمانان وجود ندارد و علت آن چیزی جز حکم عقل بر آن نیست. از نظر عقلی، وجود امام در هر زمانی، امری معقول و ممکن است. همان طور که وجود پیامبران برای رشد و تکامل بشر لازم و ضروری است، وجود امام هم برای حفظ دین و ادامه برنامه پیامبر ضرورت دارد. ضرورت وجود انسان معصوم و حجت الهی در همه زمانها با استناد به دلایل متعدد عقلی در امامت عامه مورد بررسی قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر تنها دو نفر انسان داشته باشیم، یکی از آن دو امام خواهد بود و آخرین کسی که می میرد، امام علیه السلام است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۸۰).

عموم متکلمان اعم از اهل سنت و شیعه برای امام علیه السلام صفات و شرائطی را نقل کرده اند (طوسی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۲۹-۴۳۰؛ تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۴۴). علم از جمله صفاتی است که در لزوم آن، بین متکلمان اختلافی نیست؛ ولی در گستره و مقدار علم امام در حوزه معارف و احکام اسلامی، دیدگاههای متفاوتی بیان شده است.

متکلمان شیعه امامیه، علم و کفایت در امامت را در عالی ترین حد، از صفات لازم امام دانسته اند. از آن جا که آنان «عصمت» را از صفات لازم امام می دانند و با وجود عصمت، علم و کفایت در عالی ترین مرتبه آن تحقق خواهد یافت، نیاز چندانی به ذکر صفت علم و کفایت در رهبری، به طور مستقل، احساس نکرده اند. با این حال در مواردی آشکارا از آن نام برده اند. خواجه نصیرالدین طوسی رحمته الله، دومین صفت از صفات امام را علم دانسته و چنین گفته است: «دومین صفت از صفات لازم برای امام، عالم بودن به اموری است که به آگاهی از آنها در امر امامت نیاز دارد، مانند علم به احکام شرعی، آداب سیاست و مدیریت، مبارزه با دشمنان و امور دیگر، زیرا بدون برخورداری از چنین علمی نمی تواند حق امامت را ادا کند» (طوسی، همان، ص ۴۳۰).

ابن میثم بحرانی نیز در این زمینه می نویسد: «امام باید به همه آنچه که در ایفای مقام امامت به آنها نیاز دارد، عالم باشد؛ خواه علوم دینی باشد یا علوم دنیوی؛ مانند علم به احکام شرعی، سیاست، آداب و فصل خصومتها، زیرا اگر در امور یاد شده

